

متن پرسش

ما خانواده مذهبی هستیم و همیشه خیلی دوست داشتم که بچه های مذهبی داشته باشم. دختر ۱۲ ساله ای دارم که تا امسال تمام روزه هایش را گرفته بود امسال که میخواست به کلاس هفتم برود خودش از پارسال تصمیم گرفته بود که در امتحان ورودی مدارس تیزهوشان شرکت کند من هم برای تشویق بیشتر به او گفتم که اگر قبول بشی جایزه خوبی برات میگیرم چند بار به صورت مقدمه به من گفته بود که یک جایزه میخواهد که نمیتونه به من بگه میگفت اصلا براتون هزینه نداره و من هر چی فکر می کردم و حدس می زدم اشتباه بود تا اینکه یک شب بالاخره هدیه اش را به من گفتم که این شرط که من اصلا هیچ بحثی باهاش نکنم من هم قبول کردم در کمال ناباوری به من گفتم که اگر قبول شد دیگه نه نماز و نه روزه و نه حجاب را نمیخواد داشته باشه و سریع هم رفت توی اتاقش. من بهت زده شده بودم تا صبح اصلا نخوابیدم و خیلی گریه کردم. من خیلی بیشتر ترجیح میدادم که دخترم در راه دین باشه تا اینکه تیزهوشان بره وقتی نتایج اومد تیزهوشان هم قبول شد البته من از فردای اون شب دیگه بهش نگفتم نماز خوندی یا نه فقط بهش گفتم هر وقت دلت برای خدا تنگ شد میتونی نماز بخونی حالا شما به من کمک کنید که من باید چکار کنم؟ میدونم که اصرار و زور هیچ فایده ای نداره ولی هر چه هم بگذره و اون از نماز دورتر بشه برگردوندنش به این مسیر سخت تر میشه.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: زمان زمانه‌ای است که انسان، خودش برای خودش مسئله شده است و در این رابطه مباحث معرفت نفس نکاتی را به میان می‌آورد. پیشنهاد می‌شود مباحث کتاب «جوان و انتخاب بزرگ» را به او پیشنهاد و یا با او در میان بگذارید و حرفتان پس از طرح موضوعات فصل اول آن کتاب، این باشد که به هر حال، برای ترک دستورات دین باید دلایلی داشته باشد. در حالی که برای بندگی خدا به عنوان ارتباط با خالق که همه ابعاد ما را می‌شناسد، ما دلیل داریم. و چنانچه باز بر حرف خود تأکید دارد باید بداند که به عنوان یک انسان غیر منطقی او را مدّ نظر دارید. موفق باشید